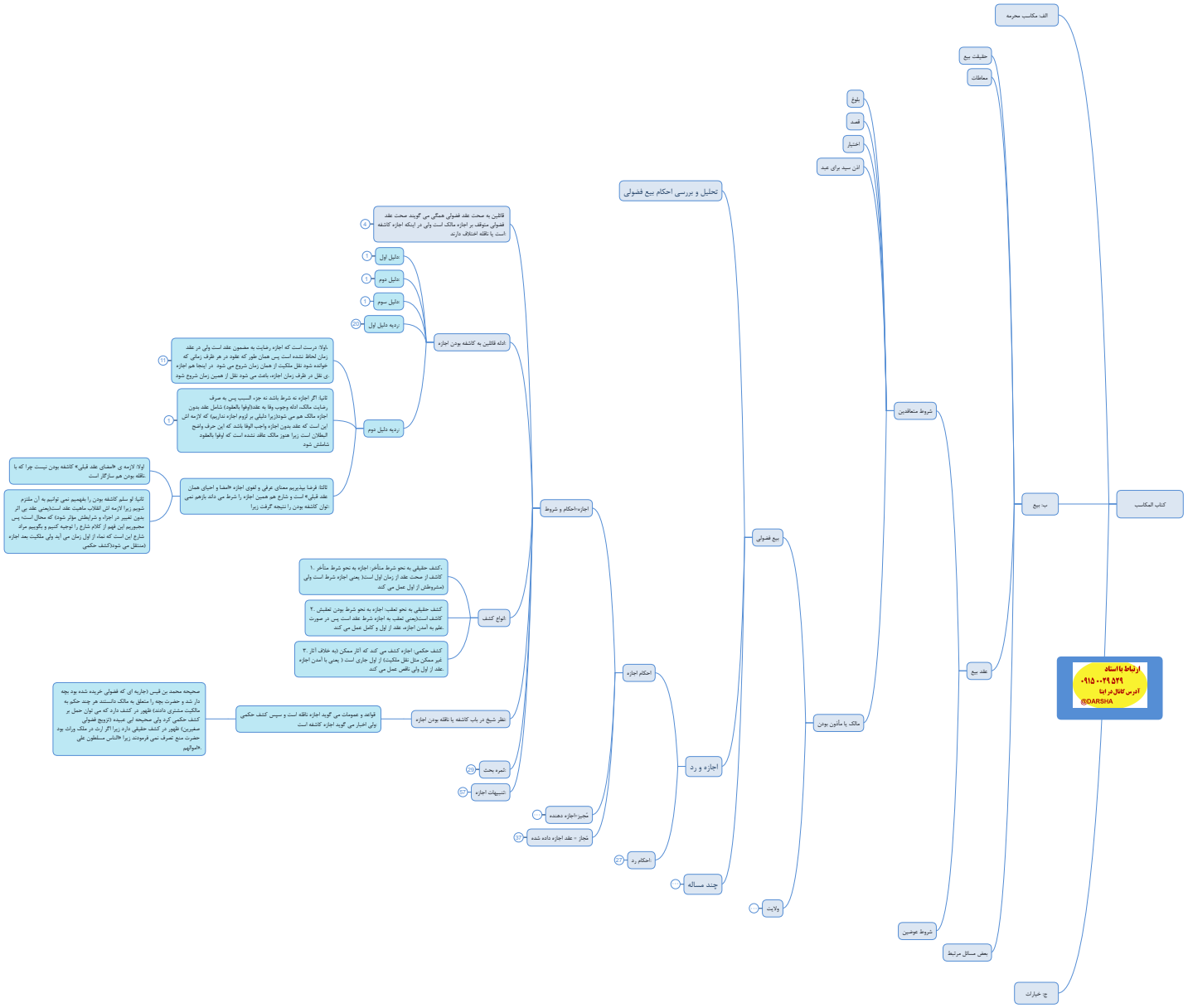
کتاب المکاسب
الف- مکاسب محرمه
ب- بیع
حقیقت بیع
معاملات
عقد بیع
شروط متعاقدین
بلوغ
قصد
اختیار
اذن سید برای عبد
مالک یا مأذون بودن
ولایت
چند ساله
بیع فضولی
اجازه و رد
احکام اجازه
احکام رد
تحلیل و بررسی احکام بیع فضولی
اجازه،احکام و شروط
انواع کشف
کشف حقیقی به نحو شرط متأخر: اجازه به نحو شرط متأخر ۱. کاشف از صحت عقد از زمان اول است(یعنی اجازه شرط است ولی (مشروطش از اول عمل می کند
کشف حقیقی به نحو تعقب: اجازه به نحو شرط بودن تعقیبش ۲. کاشف است(یعنی تعقب به اجازه شرط عقد است پس در صورت علم به آمدن اجازه، عقد از اول و کامل عمل می کند
کشف حکمی: اجازه کشف می کند که اثر ممکن (به خلاف آثار ۳. غیر ممکن مثل نظر ملکیت) از اول جاری است (یعنی با آمدن اجازه عقد از اول ولی ناقص عمل می کند
نظر شیخ در باب کاشفه یا ناقله بودن اجازه
قواعد و عمومات می گوید اجازه ناقله است و سبب کشف حکمی ولی اخبار می گوید اجازه کاشفه است
صحیحه محمد بن قیس (جاریه ای که فضولی خریده شده بود بچه دار شد و حضرت بچه را متعلق به مالک دانستند هر چند حکم به مالکیت مشتری دادند) ظهور در کشف دارد که می توان حمل بر کشف حکمی کرد ولی صحیحه ابی عبیده (تزویج فضولی صغیرین) ظهور در کشف حقیقی دارد زیرا اگر ارث در ملک وراث بود حضرت منع تصرف نمی فرمودند زیرا «الناس مسلطون علی .«اموالهم
ثمره بحث
تنبیهات اجازه
تجزیه اجازه دهنده
تجزاء عقد اجازه داده شده
ادله قائلین به کاشفه بودن اجازه
قائلین به صحت عقد فضولی همگی می گویند صحت عقد فضولی متوقف بر اجازه مالک است ولی در اینکه اجازه کاشفه است یا ناقله اختلاف دارند
دلیل اول
دلیل دوم
دلیل سوم
ردیه دلیل اول
ردیه دلیل دوم
اولا: درست است که اجازه رضایت به مضمون عقد است ولی در عقد زمان لحاظ نشده است پس همان طور که عقود در هر ظرف زمانی که خوانده شود نقل ملکیت از همان زمان شروع می شود در اینجا هم اجازه ی نقل در ظرف زمان اجازه، باعث می شود نقل از همین زمان شروع شود
ثانیا: اگر اجازه نه شرط باشد نه جزء السبب پس به صرف رضایت مالک، ادله وجوب وفا به عقد(اوفوا بالعقود) شامل عقد بدون اجازه مالک هم می شود(زیرا دلیلی بر لزوم اجازه نداریم) که لازمه ان این است که عقد بدون اجازه واجب الوفا باشد که این حرف واضح البطلان است زیرا هنوز مالک عاقد نشده است که اوفوا بالعقود شاملش شود
ثالثا: فرضا بپذیریم ممشای عرفی و لغوی اجازه «امضا و احیای همان عقد قبلی» است و شارع هم همین اجازه را شرط می داند بازهم نمی توان کاشفه بودن را نتیجه گرفت زیرا
اولا لازمه ی «امضای عقد قبلی» کاشفه بودن نیست چرا که با ناقله بودن هم سازگار است
ثانیا: لو سلم کاشفه بودن را بفهمیم نمی توانیم به آن ملتزم شویم زیرا لازمه ان انقلاب ماهیت عقد است(یعنی عقد بی اثر بدون تغییر در اجزاء و شرایطش مؤثر شود) که محال است؛ پس مجبوریم این فهم از کلام شارع را توجیه کنیم و بگوییم مراد شارع این است که تمام از اول زمان می آید ولی ملکیت بعد اجازه (مستقل می شود(کشف حکمی
ارتباط با استاد
۰۹۱۵ ۰۲۹ ۵۲۹
آدرس کانال در ایتا
@DARSHA
ج- خیارات
بعض مسائل مرتبط
شروط عوضین